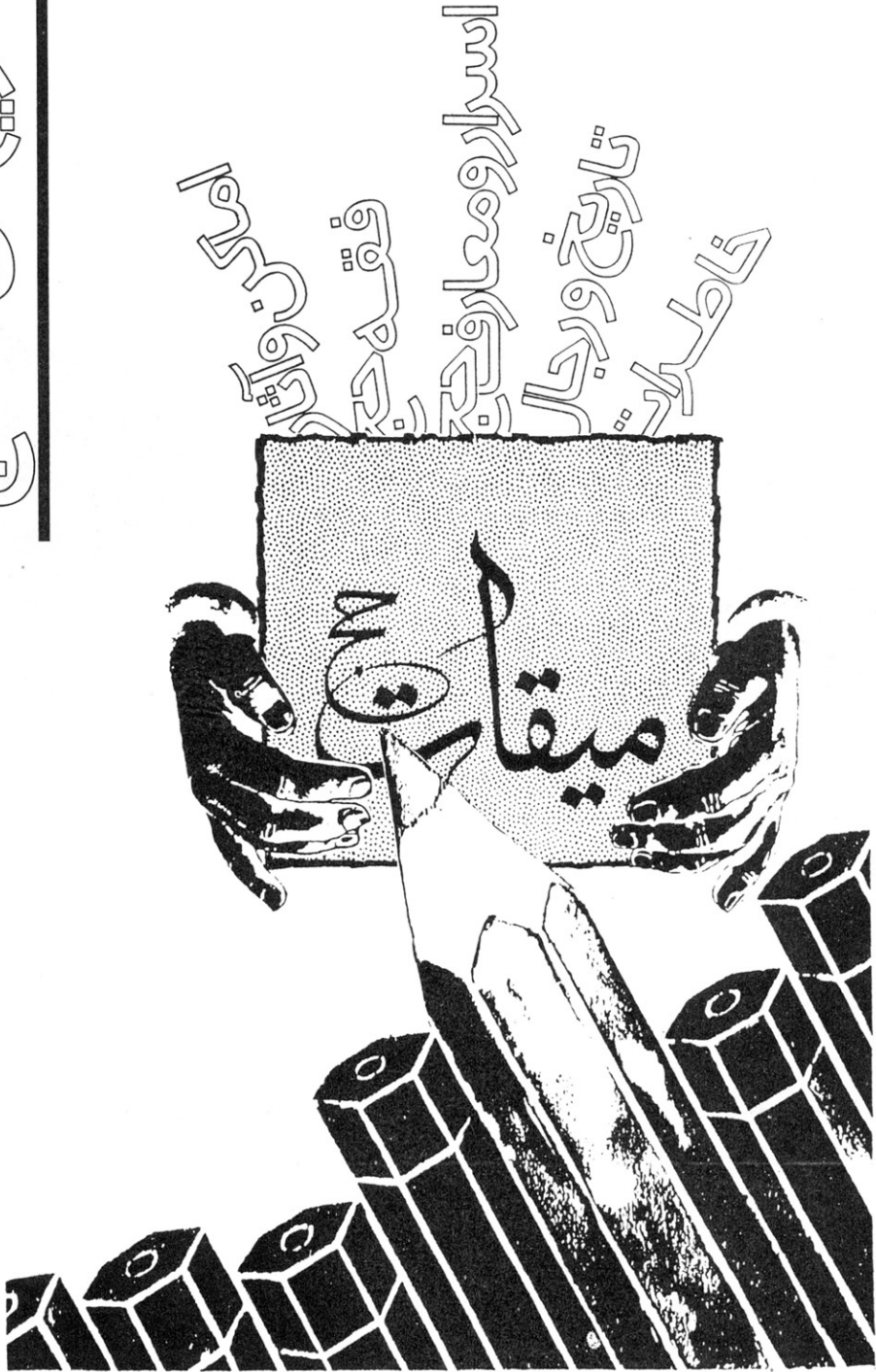


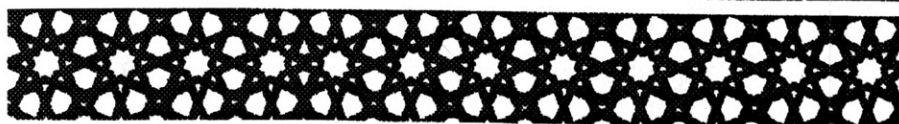
جے سی اے سی جے



وضع کتاب و فرهنگ

در عربستان

محمدعلی مهدوی راد



این نگاه گذرا در سال ۱۳۷۲ برای نشر در مجموعه‌ای که عنوان سفرنامه‌ای جمعی داشت بر اساس یادداشت‌هایی که در گشت و گذار در کتابفروشیها و مراکز نشر سعودی فراهم آورده بودم، قلمی شد ولی نشر نیافت. اکنون به این صورت عرضه می‌شود، خواننده خوب است به تاریخ نگارش آن توجه کند.

عناوین کتابهای نشر یافته در سالهای اخیر در عربستان سعودی، نشانگر تحوّل مطبوعاتی و فرهنگی این دیار است. جلب و جذب متفکران و اهل قلم کشورهای اسلامی و نشر آثار آنان در عربستان، به این تحوّل و گستردگی یاری شایان توجهی رسانده است. بر روی هم، سرعت قابل ملاحظه‌ای در گستراندن ابعاد پژوهش و نشر در پهنه فعالیت‌های فرهنگی می‌توان دید. چرایی این مسأله نیز قابل توجه است. یکی از استادان دانشگاه که آگاهی‌های شایسته‌ای از چگونگی نشر در جهان عرب دارد، ضمن گزارش کیفیت کتاب و نشر در عربستان به عوامل و زمینه‌های این تحوّل، بدین سان پرداخته است:

به نظر می‌رسد که دولت عربستان از دو جهت مجبور است که به این کار؛ یعنی

پخش و نشر کتاب روی بیاورد:



۱ - جهت نخست آن که سعودی‌ها در جبههٔ سیاسی یارای مقابله با جمهوری اسلامی و جهان اسلام را در خود نمی‌یابند؛ در نتیجه برای این که در مسیر سیاست خارجی بین‌المللی خود دچار مشکل نشوند و تناقض قول و عمل را برای جهانیان آشکار نکنند، از این کار؛ یعنی تبلیغ رسمی مستقیم تحاشی می‌کنند.

۲ - جهت دیگر این که سعودیان از نفوذ بیش از حد مُفتیان و مبلغان وهابیت ناخرسندند و برای آن که، توازن حفظ سلطه را برای خویش مصون دارند، مجادله‌ها و شعارهای توخالی و سرگرم کنندهٔ نجدیان را به آنان سپرده‌اند تا در نتیجه، هم حکومت را از دخالت آنان دور نگهدارند و هم برای مماشات سیاسی در صحنهٔ سیاست جهانی پیوسته برای خود دری مفتوح نگهدارند؛ از این روی و با انتخاب چنین رویه‌ای، به صحنهٔ فرهنگی و علمی عنایت خاص مبذول می‌شود.

البته نباید از نظر دور داشت که سعودیان اکنون داعیهٔ رهبری جهان اسلام را دارند، آنان با فراخوانی بسیاری از متفکران و گسترش دامنهٔ نشر، در جهت حاکمیت فکری جهان اسلام نیز گام برمی‌دارند و این شاید مهمترین و یا یکی از مهمترین عوامل رویکرد اینان به فرهنگ و کتاب باشد.

نگرش کوتاهی به محتوای آثار نشر شده، نشان می‌دهد که جهت‌گیری کلی آثار نشر یافته؛ اعم از تحقیق متون، تصحیح آثار کهن و تک‌نگاریهای موضوعی، بیشتر بر محور اندیشهٔ حاکم، سلفی‌گری تنگ اندیشانه و وهابی‌مابی موجود دور می‌زند. تحقیق و نشر آثاری مانند کتاب «التوحید» ابن خزیمه، «العظمة» ابوالشیخ و ... در جهت یاد شده است. البته در کنار این مجموعه، آثار مهم تاریخی، رجالی و تفسیری دیگر نیز نشر یافته است.

نگارش آثاری مانند «صفات الله بین الاثبات و التأویل» و «رؤیة الله» که از آثار نشر یافتهٔ «جامعة ام‌القری» است و ... نیز با این آهنگ به قلم آمده است.

می‌توان گفت که نویسندگان سعودی حضوری جدی در صحنهٔ اندیشه و فرهنگ دارند، اما باز هم در جهت به اصطلاح سلفی‌گری و دفاع از موضع سلف و برنتابیدن سخن نو و اندیشهٔ تازه و گر چه در چگونگی میراث گذشته باشد.

موضع‌گیری تندی در این آثار دربارهٔ دگراندیشان به روشنی پیداست، نقدهای تند علیه «ناصرالدین البانی» - که از سلفیان شام و مخالف اینان است - نشانگر این جریان تواند بود.

تجدید نظر در تفکر دینی و طرحی نو در انداختن در ساختار فکری موجود را نیز هرگز بر نمی‌تابند و گرایش‌هایی از این دست را در قالب‌های گونه‌گونی محکوم می‌کنند؛ و گاهی با تیغ بی‌دریغ تکفیر گردن می‌زنند.

در این میان کسانی که در بازسازی اندیشه دینی، به عقل بهره‌ای دهند نیز سالم از میان در نخواهند رفت و نیز کسانی که به شیعه به عنوان مذهب اسلامی بها دهند. یکی از نمونه‌های عینی این ماجرا، نقد و اعتراض اینان به محمد غزالی نویسنده پراوازه مصری، بویژه کتاب وی با عنوان «السنة النبوية بين اهل الفقه و اهل الحديث» است، نویسنده‌ای به نام «سلمان بن فهد العوده» بدان نقدی نگاشته است با عنوان «حوار هادئ مع محمد الغزالی، و قفات مع كتاب السنة النبويه ...» و «دارالوطن» در ریاض آن را منتشر کرده است.

بیت‌الغزل این اثر در نقد غزالی بهایی است که او در تحلیل نصوص به علم و عقل داده است و موضعی است که وی درباره شیعه داشته است. او ابتدا سخن غزالی را نقل می‌کند که نوشته است:

«شیعه با جمهور مسلمانان در اصول بنیادی دین تفاوت جوهری ندارد و...»

و آنگاه با تکرار آنچه بارها و بارها غوغاسالاران علیه شیعه تکرار کرده‌اند می‌نویسد:

با شیعه به هیچ روی نمی‌توان کنار آمد؛ چرا که آنان در مسائل بنیادی مربوط به قرآن، توحید، صفات خدا، فقه و اصول فقه با اهل السنة و الجماعة (بخوان: سلفی‌گری وهابی‌مآبانه) در تضاد و اختلاف است. (کتاب پیشگفته، ص ۷۱-۷۰)

نمونه روشن دیگر، کتابی است با عنوان «البيان لأخطاء بعض الكتاب». این اثر را صالح بن فوزان بن عبدالله الفوزان یکی از استادان دانشگاه‌های این دیار نگاشته است. این کتاب یکسر به دفاع از سلفی‌گری پرداخته و ظاهر گرایی خشک و تنگ‌مایه را، اسلام ناب معرفی کرده است، و با این نگرش آثار بسیاری از عالمان و مفکران معاصر اهل سنت را نقد کرده است. به مثال او از مقاله‌های شیخ محمد علی صابونی - از عالمان حلب که اینک در مکه و از استادان دانشگاه است - برآشفته است که چرا در شماره‌های مجله «المجتمع» به مقاله‌هایش عنوان «عقیده اهل السنه فی میزان الشرع» داده است. به دیده او عقیده «اهل السنه» صحیح و استوار است و این عنوان نشانگر ارزیابی در صحت و سقم آن است و درست



نیست. به دکتر سعید رمضان بوطی نویسنده پراوازه سوری و کتابش «السلفیه مرحله زمنیه» هجوم برده که چرا «سلفیه» را مرحله‌ای تاریخی پنداشته و در چگونگی و چندی و چونی آن سخن گفته و چون و چرا درباره آن را روا دانسته است، و چرا شیعیان را با اعتقاد به «عصمت» علی - ع - تکفیر نکرده و گفته است: «اینگونه باورها باعث خروج از دین نمی‌شود.»

و به دکتر احمد جمال‌العمری انتقاد کرده که چرا، زیارت قبور صالحان را یکی از سنتهای اسلامی تلقی کرده و نوشته است که پیامبر بدان امر می‌کرده و اصحاب را به زیارت قبور نیکان فرا می‌خوانده است.

در این کتاب با همان دو جهت‌گیری یاد شده، آثار محمد ابوزهره، شیخ محمد مجذوب، محمد عبده یمانی نویسنده «علموا اولادکم حب رسول الله» و ... نقد شده است. در کشور عربستان تکنگاریهای مختلف درباره مسائل فقهی نیز رو به افزایش است. در مسائل تئوریک فقهی و اصول فقهی نیز عناوین قابل توجهی دیده شده. نشر مجله «البحوث الفقهیه» که مباحث بسیار نو و مورد ابتلای جهان اسلام را طرح می‌کند جالب است، گو این که این مجموعه حاصل رایزنی و همکاری فقیهان و عالمان بیش از هفتاد کشور اسلامی است و نتیجه جلسات کنفرانس «المجمع الفقهی الاسلامی» می‌باشد ولی نشر آن در این دیار می‌تواند به فضای اندیشه کشور یاری رساند و زمینه‌های تحقیق در مسائل فقهی را بگستراند.

هیأت ظاهری کتابها نیز جالب و چشم‌نواز است، در این جهت نیز گویا ساخت و پرداخت زیبا را از کشورهای چون لبنان وام گرفته و گسترانده‌اند. گسترش مراکز نشر و فروش در مدینه نیز چشمگیر بود. یکی از استادان آشنا به مسائل نشر در جهان عرب نوشته‌اند:

یاد دارم که در مدینه سال ۶۳ جز چند کتابفروشی، آن هم تنها با فروش و عرضه کتابهای چاپ لبنان و مصر و در سطحی ناقص و محدود یافت نمی‌شد. ولی اکنون در همین محدوده حرم و در خیابان ابوذر و عبدالعزیز چند کتابفروشی بزرگ که هم ناشرند و هم کتابفروش، تأسیس شده است. حتی کیفیت حروفچینی و صفحه‌بندی و طراحی جلد و صحافی فنی هم کاملاً رشد کرده است.

احیای متون فقهی، تفسیری و کلامی، چنانکه پیشتر گفتیم بسیار گسترده است و در

این توجه، عالمانی که بگونه‌ای پی ساخته‌های فکری جریان وهابی‌گری را شکل می‌دهند، سهم بیشتری دارد، آثار ابن تیمیه، ابن قیم و ... اینگونه است. «بدائع‌التفسیر» پژوهش‌های تفسیری پراکنده ابن قیم است در میان آثارش، که جمع و تدوین شده است در ۵ جلد نشر یافته است، و دیگر آثار ...

در مجموعه‌های انتشاراتی مکه و مدینه نشر آثار جهان عرب بویژه مصر و لبنان و سوریه نیز وسیع و قابل توجه بود. به هر حال آنچه یاد شد، برای کسانی که به مسائل فرهنگی جهان اسلام به جدّ می‌اندیشند، تأمل برانگیز است. گسترش مسائل فرهنگی و علمی از این دیدگاه با تنگ‌مایی و سطحی‌اندیشه بویژه در مسائل کلامی و مطالب بنیادی دین، می‌تواند پی‌آمدهای سوئی بر تفکر در جهان اسلام داشته باشد. نمونه‌هایی از این تأثیر هم‌اکنون در برخی از جوانان تحصیل کرده در این دیار - بومی و غیر بومی آن - دیده می‌شود. به گفته یکی از فاضلان:

این تصمیم (گستراندن فضای نشر فرهنگ در عربستان) زیانهای غیر قابل جبرانی خواهد داشت. نخست این که آزاداندیشی که خصیصه تمدن و فرهنگ اسلامی است و این امر در طول تاریخ اسلام، گاه در بغداد، گاه در بصره، گاه در مصر، گاه در نیشابور و گاه در اصفهان رخ می‌نموده است، از صحنه اندیشه اسلامی تا حدودی رخت خواهد بست و نیز اندیشه‌های راهگشا و کارساز، ورای مجادله‌های فرقه‌ای و کلامی و عقیدتی، جای خود را به بحث‌های کینه‌توزانه و تفرقه‌افکنانه در دوران امت اسلامی خواهد داد و این خود خسارتی است.

کتابهای ضد شیعی در عربستان

مظلومیت شیعه در گستره تاریخ اسلام قصه پر غصه تاریخ اسلام و مسأله همیشه تازه آن بوده است. اتهامات متوجه به آن، از خاستگاه آن گرفته تا مباحث کلامی، فقهی و اخلاقی را شامل می‌شده است. کسان بسیاری در راه دفاع از فرهنگ تشیع و پاسخگویی به اتهامات شهد شهادت نوشیدند و جهل مداران فراوانی با این پندارهای ناصواب، بسیاری را علیه شیعه شوراندند. مکه و مدینه سرزمین وحی و جایگاه تابش‌های انوار الهی است. در این سرزمین نیز شیعه همواره مظلوم بوده است، حوادثی که علیه شیعه در این دیار رخ داده است، نیز فصل

جانسوزی از تاریخ اسلام را تشکیل می‌دهد. در گشت و گذاری که در کتابفروشیهای این دیار داشتیم عناوین گونه‌گونی علیه شیعه دیدیم که پس از این می‌آوریم. سالها پیش در مسجدالنبی با جوانی «احسائی» آشنا شدم که نسبت به مسائل جهان اسلام آگاهی‌های جالبی داشت و به وظایف اسلامی و فرهنگی خود کاملاً آشنا بود، و از جریانهای فرهنگی، سیاسی و انقلابی ایران نیز آگاهی‌هایی داشت و دربارهٔ مسائل فرهنگی عربستان نیز دارای اطلاعاتی سودمند بود، می‌گفت:

در مدارس و دانشگاه‌های اینجا کینهٔ شیعه را درس داده و چهره‌ای به تمام معنا وارونه از آن جلوه می‌دهند.

این مطلب کاملاً درست است، اخیراً کتابی با عنوان «الموسوعة المیسره، للأدیان و المذاهب المعاصره» نشر یافته است. این کتاب دائرةالمعارف واره‌ای است که ادیان و مذاهب و جریانهای فکری گونه‌گون را برای تدریس در دانشگاه نوشته است و دانشگاه مدینه آن را چاپ کرده است.

در این کتاب چهره‌ای که از شیعه نمایانده، یکسر وارونه است و منابع و مصادری که در پایان مقاله ارائه شده، بعضی در نقد و ردّ شیعه است، و حتی به یک کتاب شیعی استناد نشده است.

از شیعه چهره‌ای مخالف اسلام ترسیم کردن و مردم عادی و دانش‌پژوهان را از ارتباط با آنان برحذر داشتن، شیوهٔ عام جریان فکری این دیار است. گفتگوی تأمل برانگیز ذیل می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد. کارمندی از وزارت نیرو یکی از عالمان را در یکی از خیابان‌های مدینه سوار می‌کند و از او می‌پرسد: در ایران غیر از مذهب جعفری مذاهب دیگر هم تدریس می‌شود؟ وی پاسخ می‌دهد: که چنین است آنان مدرسه دارند. نه تنها مذاهب اربعه که اقلیتهای مذهبی نیز در ایران آزادانه و در چهارچوب مقررات فعالیت می‌کنند. او شگفت‌زده می‌شود و می‌گوید: ما در این دیار حق دیدار با شما را نداریم و از این روی از آنچه در ایران می‌گذرد ناآگاهیم.

جوانی از یوگسلاوی پیشین که در مدینه مشغول تحصیل بوده، ضمن مراجعه به برخی از عالمان شیعهٔ ایرانی، از آنان دربارهٔ سب و شتم شیعه نسبت به اصحاب پیامبر،

تحریف قرآن و نقش عقل در شیعه سؤال می‌کند. او از این که در دانشگاه حقایق را به وی وارونه القا کرده بودند، ناراحت بود.

برخورد تند و بی‌پایه برخی از خطیبان در خطبه‌های نماز جمعه، نشانگر نگاه وارونه اینان به شیعه و اندیشه آنان است و نیز تعلیمات تحریف‌گرانه‌ای که در صفحه ذهن اینان نقش بسته است. گزارش زیر نمونه‌ای از اینگونه داوریه‌ها و برخوردها است:

یکی از شبها که به مسجد عمر بن خطاب شارع شیخ عبدالله خیاط برای نماز جماعت رفته بودم. بعد از نماز مغرب مشاهده کردم که خطیبی جوان، پشت تریبون ایستاد، پس از این که شرافت مکانی مکه و شرافت زمانی ایام ذی حجه را بیان کرد، اشاره به تولی و تبری نمود و با زمینه‌سازی و مقدمه‌ای چند دقیقه‌ای گفت: مردم! چرا غافلید؟ چرا تولی و تبری را از دست داده‌اید؟! تولی دوستی پیامبر و اصحاب کبار او و تبری تنفر و بیزاری جستن از دشمنان آنهاست، متأسفانه در این بلد امین که نباید کفر باشد، کافرانی که دینشان تقیه است معتقدند جبرئیل امین خیانت کرده و بجای این که وحی را به علی - ع - نازل کند به محمد - ص - نازل کرده است و علی - ع - باید پیامبر می‌بود. و معتقدند که سب و لعن وزراء الرسول ابوبکر و عمر واجب است. او با لحن خاص و تحریک‌کننده و با هنرنمایی خاص در فن خطابه، اعلام کرد: آیا کسانی که به وزراء الرسول لعن می‌کنند کافر نیستند؟ اگر از آنها راجع به ابوبکر و عمر سؤال شود می‌گویند: رضی الله عنهما و پشت سر آنها را لعن می‌کنند. آیا اینها کافر نیستند؟ آیا کسانی که به ام المؤمنین عایشه تهمت زنا می‌زنند و او را زانیه می‌دانند! و لعن می‌کنند در حالی که قرآن او را مبّرّاً دانسته (و اشاره به آیه افک در قرآن کرد) آیا اینها کافر نیستند؟! حال می‌خواهید بدانید اینها کیستند؟ اینها کسانی هستند که در صفوف نماز جماعت شما شرکت کرده و کنارتان می‌نشینند و دینشان تقیه و نمازشان منافقانه است. اینها اشدّ کفراً و نفاقاً می‌باشند و سپس بطور صریح گفت: رافضه را می‌گوییم. اینها کافرند! شیطانند! خذلهم الله، قاتلهم الله! آنها شما را قبول دارند و نه دین شما را. و برای مصلحت و از روی نفاق در نماز شما شرکت می‌کنند. مردم! دوستان! چرا شما ساکتید در مقابل لعن‌کنندگان به وزراء الرسول؟ دوستان! با اینها معامله نکنید و آنها را از جمع خود بیرون کنید. آیا بعد از این صحبتها باز هم امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنید؟ و با این کافران کنار می‌آیید؟ اینجا بلد امن

است. سرزمین با شرافت مکه است و جای کفار نیست! و سپس با اشاره به ایام ذی حجه و اهمیت آن مطالبی را بیان کرد و صحبت را خاتمه داد.

وضعیت مجلس بسیار استثنایی و جنجالی شده بود و با مهارت خاصی که در خطابه داشت مجلس را به خود متوجه کرده بود. زمینه برای بحث مناسب نبود، با روحانیون دیگری که در مسجد بودند قرار گذاشتیم که در چگونگی برخورد منطقی صحبت کنیم که بعداً با امام جماعت یکی دیگر از مساجد، که مصری‌الاصل و ظاهراً جوانی مؤدب و بشاش و خوش برخورد بود، صحبت شد و او اظهار نگرانی و تأسف نمود بسیار و گفت: ما همه با یکدیگر برادریم، این حرفها صحیح نیست و ...

چهار روز بعد از این قضیه برای نماز صبح با لباس و عمامه به مسجد عثمان رفته بودم که خطیب یاد شده برای نماز به آن مسجد آمده بود. در پایان نماز با امام جماعت دست داده خداحافظی کردم، در این هنگام ناگهان، آن شخص (خطیب) خطاب به امام جماعت فریاد برآورد که: «لا تَسْلَمُوا عَلَی الشَّیْطَانِ، اِنَّهُمْ شَیْطَانِ!» وقتی پرسیدم: لماذا؟ بر خشونت افزود و ...

روزی به دیدار مزار شهدای اُحد رفتیم، برای بررسی دقیق محل وقوع نبرد و مسائل پس از آن، با دانشجویی به گفتگو نشستیم. او توضیحات جالبی درباره اُحد و کوههای آن ارائه داد، پس از آن که فهمید ما شیعه هستیم و ایرانی، پرسید:

آیا درست است که شیعیان به فرزندی از علی - ع - معتقد هستند بنام مهدی، که به سردابی رفت و دیگر برنیامد و در آخرالزمان خواهد آمد؟ و آیا درست است که شما معتقدید جبرئیل در ارائه وحی خیانت کرده و به جای علی به پیامبر وحی را ابلاغ کرده است؟ و درست است که شما عقیده و کتابهای خود را مخفی نگاه می‌دارید و از این که کسی بدان آگاهی یابد جلو می‌گیرید؟ (این را یکی از اساتید در دانشگاه به ما می‌گفت.)

اینها همه اتهامات واهی بسیار کهنه و زنگ زده‌ای است که هر روز به وسیله نشخواران جهل جویده و ارائه می‌شود. دوستان به وی جوابهای لازم را دادند، او در پایان گفت:

حقیقت این است که من از شیعه چیزی نمی‌دانم و با این که حدود ۲۰ کتاب درباره

عقاید فرق خوانده‌ام از شیعه اطلاعات درستی ندارم و آنچه می‌دانم، از منابع غیر شیعی است. این دیدار گویای آن است که در محیط تعلیمی و فرهنگی این دیار، درباره شیعه چه می‌گذرد، و عقاید شیعیان چگونه به دانشجو القا می‌شود.

با توجه به آنچه آمده - که نمونه‌ای است اندک - می‌توان فهمید که نشر آثار علیه شیعه در این دیار طبیعی است، کتابهایی که ذیلاً می‌آوریم، برخی سالها پیش چاپ شده، برخی دیگر چاپ سال جاری است و همه نشانگر کین‌توزی، و عصبیت پراکنی علیه شیعه است.

کتابهای احسان ظهیر الهی از جمله:

- ۱ - الشیعه و اهل البیت؛ ناشر: اداره ترجمان السنه، لاهور پاکستان، توزیع: الجامعة الاسلامیه، المدینة المنوره.
- ۲ - الشیعه و القرآن؛ ناشر: اداره ترجمان السنه، لاهور پاکستان، توزیع: الجامعة الاسلامیه، المدینة المنوره.
- ۳ - الشیعه و التشیع (فرق و تاریخ)؛ ناشر: اداره ترجمان السنه، لاهور پاکستان، توزیع: الجامعة الاسلامیه، المدینة المنوره و ...

و کتابهایی چون:

- ۴ - الشیعه و تحریف القرآن؛ محمد مال الله.
- ۵ - کلمات فی کشف اباطیل و افتراءات؛ عبدالفتاح ابو غده، الاستاذ فی الدراسات العلی فی قسم السنه بکلیة التریبه بجامعة الملك سعود بالریاض.
- ۶ - و جاء دور المجوس؛ عبدالله محمد الغریب.
- کتابی است سرشار از دروغ و آکنده از تهمت و ...
- ۷ - سراب فی ایران؛ دکتر احمد الأفغانی، به زبان انگلیسی.
- ۸ - و جاءوا یرکضون؛ ابوبکر جابر الجزائری. مهلاً یا دعاة الضلاله، المدرس بالجامعه الاسلامیه، الواعظ بالمسجد النبوی الشریف.
- ۹ - حوار هادئ بین السنه و الشیعه؛ عبدالله بن سعید الجنید.
- ۱۰ - مسألة التقرب بین الشیعة و السنه؛ ناصر بن عبدالله بن علی القفاری، دار طیبه.
- ۱۱ - تبديد الظلام و تنبيه النیام الى خطر التشیع علی المسلمین و الاسلام؛ ابراهیم

سليمان الجبهان.

۱۲ - بطلان عقائد الشيعة و بيان ضيق معتنقيها و مفترياتهم على الاسلام من مراجعهم الأساسية؛ محمد عبدالستار التونسي.

۱۳ - الشيعة و المتعة؛ محمد مال الله.

۱۴ - عقيدة الامامية عند الشيعة الاثني عشر، دراسة فى ضوء الكتاب و السنة؛ السالوس، مكتبة ابن تيميه.

۱۵ - الخطوط العريضة؛ محب الدين الخطيب.

اين اثر از ديرينه ترين آثار عليه شيعة در اين قرن است و عالمان شيعة آثار منقدانه اى عليه آن نگاشته و بافته هائيش را رشته کرده اند اما باز هم سعودى هر سال چاپ و نشر مى کند.

۱۶ - الثورة الايرانية فى ميزان الاسلام؛ الشيخ محمد منظور النعمانى.

۱۷ - بين الشيعة و اصوله، دراسة مقارنة فى التفسير؛ على السالوس.

۱۸ - عبدالله بن سبأ و أثره فى احداث الفتنة فى صدر الاسلام؛ سليمان بن حمد العود.

و كتابهاى ديگر چون:

۱۹ - رجال الشيعة فى الميزان؛ ۲۰ - الشيعة و السنة؛ ۲۱ - احوال اهل السنة فى ايران؛

۲۲ - الشيعة فى الميزان؛ ۲۳ - التحذير من البداء؛ ۲۴ - النهى عن سب الأصحاب؛ ۲۵ - النبذة

الشريفه فى الرد على القبوريين؛ ۲۶ - بين الشيعة و السنة؛ ۲۷ - ما يجب أن يعرف المسلم عن

عقائد الروافض الامامية؛ ۲۸ - أضواء على الشيعة؛ ۲۹ - الخمينى و الوجه الآخر؛ ۳۰ - مسألة

التقريب بين أهل السنة و الشيعة؛ ۳۱ - السنن و المبتدعات؛ ۳۲ - رساله فى تحريم اتخاذ

الضرائح؛ ۳۳ - التشيع بين مفهوم الأئمة و المفهوم الفارسى؛ ۳۴ - صورتان متضادتان عند أهل

السنة و الشيعة؛ ۳۵ - الجواب الباهر فى زوار المقابر؛ ۳۶ - الشيعة و تحريف القرآن؛ ۳۷ - نقد ولاية

الفقيه؛ ۳۸ - الموازنه بين السنة و الرفضه؛ ۳۹ - الفرقان بين الحق و الباطل؛ ۴۰ - رسالة الرد على

الرفضه؛ ۴۱ - أباطيل يجب أن تُمحقى من التاريخ؛ ۴۲ - الخمينى بين التطرف و الاعتدال؛

۴۳ - المؤامرة على الكعبة من القرامطه الى الخمينى؛ ۴۴ - بطلان عقائد الشيعة و أهل البيت؛

۴۵ - بين الشيعة و أهل السنة؛ ۴۶ - تحذير الساجد من اتخاذ القبور مساجد؛ ۴۷ - نكاح المتعة فى

الاسلام؛ ۴۸- البینات؛ ۴۹- أصول مذهب الشیعه.

آنچه در این صفحات آمد نگاهی بود گذرا به چگونگی کتاب و فرهنگ «عربستان سعودی» نگاهی تفصیلی و تحلیل درباره آن زمینه‌ها، چگونگی‌های محتوا و نشر توزیع گسترده و اهداف آن و فرآیند این تلاش در عمده مقاله‌ای مفصل است.